



تأثر  
پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات  
پرتال جامع علوم انسانی

# روند تاریخی تئاتر جهان در یک نگاه

ناصر آقایی

چند ابراز داشته‌اند. علائم نشان می‌دهند که رقصندگان در پیشگاه بت‌های خود چهره‌های خویش را نقاشی می‌کردند و سر و نشان را پوششی متفاوت می‌دادند. همین تفاوت سبب می‌شد که حضورشان از سایر افراد قبیله متمایز شود، بخصوص آن که حرکاتی خاص نیز این تمایز را قوی‌تر می‌ساخت. چنین تمایزی را می‌توان پیدایش «بازیگران» و «تماشاگران» تلقی کرد. البته از این نوع نمایش به عنوان «تئاتر»، با تعریفی که بعدها از آن داده شد، یاد نمی‌شود. برای «تئاتر» اصول و قوانین خاصی وضع شد و سایر آثار نمایش را که در چارچوب آن نمی‌گنجید از این عنوان کنار گذاشتند.

پیش سخن

هدف از نگارش این مطلب در واقع گشایش دریچه‌ای است بر روی علاقمندانی که مایلند دست‌یابی سریع به سر فصل مهمترین لحظه‌های تحول و پیشرفت تاریخی هنر نمایش صحنه در جهان داشته باشند. این مطلب به تمامی نکات و نقاط مورد اعتنای سیر تاریخی تئاتر توجه موکد نموده و کلیات منسجمی از چندین قرن دگرگونی این زمینه از هنر را پیش روی خواننده باز می‌کند.

مورخان معتقدند که نمایش «تئاترگونه» از ادوار کهن وجود داشته است. گرچه تاریخ قطعی این پیدایش مطلقاً معلوم نیست، اما شواهدی در دست است که بر اساس آن تاریخ شروعی را ذکر کرده‌اند. نقش آفرینی شخصیت‌هایی که شدیداً مورد احترام بوده معمول‌ترین شکل نمایش مذکور در آن دوران بوده است. بت‌پرستی در بین اقوامی که از پیامبران الهی به دور بوده و کمترین نشانه‌ای از خدا و یکتاپرستی دریافته بودند قویاً جریان داشته و آیین‌های توأم با کرنش و رقص و پایکوبی مرسوم بوده است. مورخان بر اساس کشفیات خود، که چیزی فراتر از تصاویر حکاکی شده بر غارها و کوهپایه‌ها نمی‌باشد، نظریاتی



صحنه‌ای از تاجر ونیزی

پیدایش این اصول برمی‌گردد به حدود بیست و پنج قرن قبل از میلاد مسیح، و به سرزمین یونان، که بقایا و شواهدی بسیار قوی و مستدل از آن دوران برای ما باقی مانده است.

## ۲

متخصصین تئاتر امروز در حیرت‌اند که آن همه قدرت، زیبایی و استحکام هنر تئاتر را چه تمدن پر ابهت و والایی در ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در خود پرورش داده است. این حیرت حتی از نگاه و قلم جامعه‌شناسان و باستان‌شناسان نیز به دور نیست. باقی‌مانده‌های سالن‌های نمایش در سرزمین یونان شاهکارهایی از معماری زمان را در ذهن مجسم می‌سازند.<sup>۱</sup> این سالن‌ها تماماً مدور و رویار بودند و جایگاه تماشاگران از زمین تا ارتفاع بسیار بالا به صورت پله‌پله کشیده می‌شد. این فضای گسترده برای بازیگران تقویت صدا را به همراه داشت. به همین لحاظ بر روی ماسکی که در تمامی نمایش‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت حفره‌ای مدور و به عمق حدود پانزده سانتی‌متر جلوه‌دهان ایجاد می‌کردند تا شدت صدا را چند برابر کنند. این تمهید سبب می‌شد تا بازیگران بدون آن که فشار زیادی بر حنجره خود وارد سازند احساسشان را در بیانی نسبتاً طبیعی به تماشاگران عرضه نمایند.

نمایشنامه‌های برجامانده از آن دوران در عین استحکام و زیبایی حکایت از فرهنگی بسیار غنی دارد، فرهنگی که هیچ‌کس به وضوح نمی‌داند چگونه پا گرفت و به آن قدرت رسید. نخستین نمایشنامه‌های یونانی به بزرگداشت یکی از خدایان آنان، «دیونیزوس»<sup>۲</sup> مربوط می‌شد که به تصور آنها خدای باروری و فراوانی محصول بود. هیچ‌کس به درستی نمی‌داند که چگونه جشن‌های مربوط به ستایش «دیونیزوس» حالت نمایشی به خود گرفت اما آنچه که

از آنها دریافت شده نشان می‌دهد که در آنها گروه همسرایان اشعاری را می‌خواندند و به همراه آنان بازیگران به آواز و رقص خاص می‌پرداختند. نمایشنامه‌های ارایه شده در این مراسم تماماً به صورت شعر بود، و رقابت در ارایه بهترین‌ها در حد گسترده‌ای وجود داشت. جایزه‌ای که به بهترین نمایشنامه‌نویس تعلق می‌گرفت چشمگیر و بسیار در خور توجه بود زیرا از طرف مقامات پر نفوذ و ثروتمند شهر ارایه می‌گردید. از این رو هر شاعر که می‌بایست با سه تراژدی و یک کمدی در مسابقه شرکت کند تمامی تلاش خود را در بارورسازی اثری برتر به کار می‌بست. از برجسته‌ترین نمایشنامه‌نویسان این عهد که از اعتبار بیشتری برخوردار بودند و آثار اندکی از هر یک به جای مانده است باید از «اسخیلوس»<sup>۳</sup>، «سوفوکلس»<sup>۴</sup>، «اوری پیدس»<sup>۵</sup>، و «اریستوفانس»<sup>۶</sup> نام ببریم.

هیچ‌گونه اثر نمایشی کامل تا قبل از «اسخیلوس» (۵۲۳ - ۴۵۶ ق. م.) در دست نیست. «اسخیلوس» را، که با تلفظی دیگر به صورت «اشیل» نیز در پاره‌ای کتب و مقالات ترجمه شده دیده‌ایم، پدر تئاتر کلاسیک یونان لقب داده‌اند. گفته‌اند که وی در حدود ۹۰ نمایشنامه به رشته تحریر درآورده است، اما تنها هفت اثر از او در دست است. تا قبل از او در آثار نمایشی فقط یک بازیگر در روی صحنه بود و گفته می‌شود که وی بازیگر دوم را اضافه نمود. مشهورترین اثر او «پرومته در بند» است.<sup>۷</sup>

سوفوکلس (۴۹۶ - ۴۰۶ ق. م.) بازیگر سوم را اضافه نمود از آن تاریخ به بعد گروه همسرایان به تدریج اهمیت خود را از دست داد. وجود بازیگر سوم سبب کشمکش وسیع‌تر گردید و داستان شکل پیچیده‌تری یافت. این به آن معنی است که هر بار در روی صحنه تا سه بازیگر اصلی می‌توانست وجود داشته باشد و ماجرا را به پیش براند. به عقیده مورخان وی نزدیک به ۱۲۳ نمایشنامه نوشته بوده که متأسفانه فقط هفت اثر کامل از

او موجود است. مشهورترین و مهم‌ترین این آثار عبارتند از: «اودیپوس شاه»<sup>۸</sup> و «آنتیگونه»<sup>۹</sup> آثار سوفوکلس را قوی‌ترین و استادانه‌ترین نمونه نمایشنامه‌های این دوران یاد کرده‌اند که بلاشک ارزیابی دقیقی است.<sup>۱۰</sup>

«اوری پیدس» (۴۸۰ - ۴۰۶ ق. م.) شخصیت‌های بازی بیشتری به صحنه اضافه کرد و به قوت ماجراها افزود و شکل طبیعی‌تری به آنها بخشید. او نیز به قولی ۹۲ نمایشنامه نوشته است که فقط تعداد اندکی بر جای مانده است. از مشهورترین این آثار «مدیا»<sup>۱۱</sup> و «هیپولیتوس»<sup>۱۲</sup> را نام می‌بریم.<sup>۱۳</sup>

اریستوفانس (۴۴۸ - ۳۸۰ ق. م.) برخلاف سه نویسنده دیگر به نگارش آثار کمدی مبادرت می‌ورزید و بیشتر درباره جامعه خود، به ویژه قشر روشنفکر، می‌نوشت. ناگفته نماند که او نیز همانند دیگران آثارش را به صورت شعر تنظیم می‌نمود و در این کار مهارت بسیار داشت. سه اثر وی از شهرت بیشتری برخوردار است: پرندگان، قورباغه‌ها، ابرها. آثار این نویسنده تنها کمدی‌های موجود از سده پنجم قبل از میلاد مسیح می‌باشند که تاکنون مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.<sup>۱۴</sup>

### ۳

به تدریج تئاتر یونان به وسیله استعمارگران یونانی و بعدها توسط سربازان و تجار رمی به سرزمین رم<sup>۱۵</sup> وارد گردید. نمایش‌هایی که ابتدا در این سرزمین ارایه می‌شد به شدت از الگوهای یونانی تأثیر یافته بود و مضامینی مشابه داشت. دیری نگذشت که رمی‌ها خصوصیات خلق و خوی را که آکنده از زبان خشن، پرده‌داری و هرزگی بود در کمدی‌هایشان وارد کردند. وجه تمایز عمده نمایش‌های رمی، در مقایسه با یونانی، شکوه و عظمت صحنه بود، بخصوص آن که نمایش‌ها اغلب آمیخته با حضور گلیادورها و عملیات آکروباتیک و گاهی نیز ارایه‌رانی بود. رمی‌ها کمتر به

تسراژدی توجه داشتند و اکثراً سعی می‌کردند نمایش‌هایی را ترتیب دهند که بیشتر سرگرمشان کند و گاه بر هیجان آنها بیفزاید.

برجسته‌ترین نام در تاریخ تئاتر رم متعلق به سنه کا (۵ ق. م. - ۶۵ میلادی)<sup>۱۶</sup> است. از مجموعه آثاری که وی نگاشته فقط ۹ اثر بر جای مانده است که نام اغلب آنها را در بین نمایشنامه‌های یونانی سراغ داریم، از آن جمله، مدیا، اودیپوس، زنان فینقی، و آگامنون.<sup>۱۷</sup>

آنچه از تئاتر رم برای ما باقی مانده کمدی آن است. از تراژدی آن به جز چند اثری که از سنه کا در دست داریم تاکنون هیچگونه ردیابی به چشم نخورده است. حضور کمدی را اغلب به دلیل دو کمدی نویس برجسته آن دانسته‌اند: پلوتوس (۲۵۴ ق. م. - ۱۸۴ ق. م.)<sup>۱۸</sup>، و ترنس (۱۸۵ - ۱۵۹ ق. م.)<sup>۱۹</sup>. از آنجا که پلوتوس و ترنس طرح عمده نمایشنامه‌های خود را از نمایشنامه‌نویس یونانی منندر<sup>۲۰</sup> گرفته‌اند، پاره‌ای از مورخان از وی نیز به عنوان پاره‌ای از کمدی رم یاد کرده‌اند. کمدی رمی دارای چند شخصیت نمایشی بود، مثل خسیس، سرباز و نوکر باهوش، و قصه‌ها بر مبنای موضوع‌هایی بود که از منندر و کمدی دوره‌های آخر یونان گرفته شده بود.

«میم»<sup>۲۱</sup> در بین رمی‌ها بسیار محبوب بود. نمایشی بود شامل حرکات بدنی خاص و رقص‌گونه، شعر و آواز. رمی‌ها «میم» را هم از یونانی‌ها گرفته بودند، اما صحنه‌های شنیع، همراه با برهنگی و هرزه‌داری را بر آن افزودند. این نمایش برخلاف آنچه که ما به نوعی خاص از نمایش بی‌کلام اطلاق می‌کنیم و گاه آن را «پانتومیم» می‌خوانیم دارای متن از قبل نوشته شده و همراه با کلام بود. موسیقی در «میم» نقش تعیینی را بازی می‌کرد و بازیگران را در تمامی لحظات همراهی می‌نمود.

با تقسیم شدن رم در اوایل قرن پنجم میلادی، تئاتر نیز سرنوشتی همانگونه یافت و در میان گروه‌های

دوره گرد از نقطه‌ای به نقطه دیگر کشیده شد. این امر سبب گردید تا شکوه حاکم بر صحنه از میان برود. نخستین کلیساهای مسیحی تئاتر را مردود اعلام کردند، و نتیجه آن شد که هرگونه اصلاح و تجدیدنظر نسبت به تئاتر متوقف گردید. نمایشنامه‌نویسان دست از کار کشیدند، و بازیگران کار صحنه را کنار گذاشتند و با تربیت حیوانات و ترتیب دادن نمایشی با آنان به سرگرم کردن مردم پرداختند.

در چنین ایامی، برخی از مسوولین کلیسا با دست‌یابی به نوشته‌های یونانی و رومی سعی در تقلید از آنها کردند و آثار نمایشی ادبی و سنگینی را ارایه نمودند. یکی از این افراد راهب آلمانی به نام هروس ویتا (۹۳۲ - ۱۰۰۲ میلادی<sup>۲۲</sup>) بود که شش کمدی به شیوه نثر و بر اساس آثار «ترنس» به رشته تحریر درآورد.

تا قرن سیزدهم میلادی، کلیسا نمایش‌هایی را بر مبنای زندگی حضرت مسیح عرضه می‌کرد. داستان این نمایش‌ها عموماً از کتاب انجیل گرفته شده بود. گاه قصه‌هایی از زندگی قدیسین نیز در کنار آنها قرار می‌گرفت. این برنامه‌ها در میادین شهر و یا در نزدیکی کلیساها به معرض تماشای مردم گذاشته می‌شد. معمول بود که در ایام کریسمس و یا عید پاک این نمایش‌ها عرضه شود. برخی از آنها به‌طور حرفه‌ای تنظیم یافته بود، اما در مجموع برای اجرای آنها از استعدادهای محلی استفاده می‌گردید. اهمیت این نمایش‌ها در آن بود که تمام ماجرای وارد شده در کتاب انجیل نقل می‌گردید و سرپرست اجرا، همواره کلیسا بود. صحنه بر روی گاری قرار داشت و آرایش مجللی به آن داده می‌شد. این تئاترهای سیار قابلیت انتقال به هر نقطه از شهر را داشت تا عموم مردم به راحتی موفق به تماشای آن شوند. اوج محبوبیت اینگونه نمایش‌ها در قرن سیزدهم و چهاردهم بود.

پس از تقریباً سال ۱۵۵۰ میلادی ارایه این

نمایش‌ها در اغلب نقاط متوقف گردید، اما در ایتالیا و اسپانیا همچنان جریان داشت. هنوز هم آثار چنین نمایش‌هایی در آلمان و انگلستان وجود دارد و به صورت تازه‌تری به اجرا درمی‌آید.

نباید فراموش کرد که در قرون وسطی آثار نمایشی بر مبنای زندگی روزمره نیز وجود داشت که، هر چند زیر بنای مذهبی در آن به چشم می‌خورد، اما درباره مردم عادی، روستاییان، و دیگر اقشار جامعه بود، و موضوع اصلی پیرامون تیزهوشی، حماقت، و یا ضعف دور می‌زد. گاهی به این نوع نمایش‌ها «میان پرده» می‌گفتند، و بعدها سبب پیدایش نوعی نمایش حرفه‌ای در ایتالیا شد که به «کمدیا دلارته»<sup>۲۳</sup> شهرت یافت. گسترش کمدیا دلارته از قرن پانزدهم به بعد صورت گرفت و تا قرن هیجدهم به اوج شکوفایی رسید، اما از آن پس سیر نزولی را طی کرد. این نمایش اساساً به وسیله گروه‌های کوچک اجرا می‌شد، و هر گروه شخصیت‌های نمایشی ثابتی را در اختیار داشت. این شخصیت‌ها با شخصیت‌های رومی شباهت زیاد داشتند: «هارله کین، یا آرله کینو»<sup>۲۴</sup> (نوکر باهوش)، «کولوم بینا»<sup>۲۵</sup> (قهرمان زن)، «پانتالونه»<sup>۲۶</sup> (شوهرخسیس) و غیره.<sup>۲۷</sup> داستان این نمایش‌ها به صورت عاشقانه، کمدی، و حتی تراژدی بود. بازیگران مکالمات را به صورت بداهه‌سازی رد و بدل می‌کردند، اما باید به این موضوع توجه داشت که اغلب آنها مکالمات از قبل حفظ شده در ذهن داشتند و در مواقع مناسب از آنها استفاده می‌کردند. اکثر بازیگران «کمدیا دلارته» دارای تحصیلات ویژه عالی در زمینه کار خود بودند و تسلط و تعمق کافی در تخصص خود داشتند. «کمدیا» زنان بازیگر را نیز به کار گرفت و جالب اینجاست که اغلب با بازیگران مرد هم گروه خود ازدواج می‌کردند.

به تدریج داستان‌های «کمدیا» از شکل کمدی انتقادی به طرف احساساتی با رنگ و آب عاشقانه کشیده شد. سبب این تحول در واقع تغییر سلیقه‌ای بود

که در تماشاگران به وجود آمده بود.

کهن تئاتر از میان رفته بود و خبری از نمایشنامه‌نویسان و بازیگران به دست نمی‌آمد.

#### ۴

طی قرون شانزدهم و هفدهم، تئاتر از نقطه نظر تکنیک و ابداعات، چه در زمینه نویسندگی و چه اجرا، دارای دگرگونی‌های چشمگیر شد. در انگلستان نجیب‌زادگان و بزرگان درباری به حمایت از تئاتر پرداختند. تئاتر از لحاظ بازیگری تحول بسیار یافت و صحنه‌آرایی به وجه تازه‌ای درآمد. صحنه تئاتر در انگلستان نمایشنامه‌نویسان متعددی به خود دید که شهرت جهانی آنان روزافزون گردید و آثارشان پیاپی صحنه‌های تئاتر را دنرودید. مشهورترین و بلاشک بزرگ‌ترین و معتبرترین آنها «ویلیام شکسپیر»<sup>۲۸</sup> (۱۵۶۴ - ۱۶۱۶) می‌باشد. وی در زمینه تراژدی، کمدی و نمایشنامه‌های تاریخی با مهارت خارق‌العاده قلم زد و نبوغ خود را به اثبات رساند. از برجسته‌ترین آثار این برترین نمایشنامه‌نویس تمام قرون و اعصار، «هملت»<sup>۲۹</sup>، «مکبث»<sup>۳۰</sup>، «لیرشاه»<sup>۳۱</sup>، «رومئو و ژولیت»<sup>۳۲</sup>، «اتللو»<sup>۳۳</sup>، «ریچارد سوم»<sup>۳۴</sup> و «جولیوس سزار»<sup>۳۵</sup> را نام می‌بریم.<sup>۳۶</sup>

از نویسندگان دیگر این دوره‌اند: «کریستوفر مارلو»<sup>۳۷</sup> (۱۵۶۴ - ۱۵۹۳)، با نمایشنامه مشهورش «دکتر فاستوس»<sup>۳۸</sup>؛ و «بن جانسون»<sup>۳۹</sup> با دو اثر برجسته «ولین»<sup>۴۰</sup>، و «هر کس به طبع خود».<sup>۴۱</sup>

دامنه تئاتر عصر الیزابت بسیار وسیع بود و زمینه آن از رم تا خاور دور کشیده می‌شد. در این دوران گروه‌های متعدد نمایشی وجود داشت که با یکدیگر به رقابت برمی‌خاستند، و در اصل هدفشان جلب رضایت دربار بود.

تا سال ۱۶۴۲ اوضاع سیاسی تغییر کرد و «پیوریتن»<sup>۴۲</sup> ها زمام امور را به دست گرفتند و تئاتر دچار نامایمات بسیار شد. گرچه بازگشت رژیم سلطنتی در سال ۱۶۶۰ تحقق پذیرفت اما دیگر دیر شده و نسل

فرانسه کمی دیرتر از انگلستان تئاتر دوره رنسانس را تجربه نمود. آثار نمایشی «نئو کلاسیک»<sup>۴۳</sup> به وسیله «کرنی»<sup>۴۴</sup> و «راسین»<sup>۴۵</sup> عرضه شد و کمدی انتقادی و استهزاآمیز به دست «مولیر»<sup>۴۶</sup> (۱۶۲۲ - ۱۶۷۳) رونق گرفت. وی گروهی از بازیگران را در اختیار داشت که عرضه‌کننده آثار او بودند، و همین گروه سبب شد تا پایه‌های «کمدی فرانسز»<sup>۴۷</sup> ریخته شود و در سال ۱۶۸۰ تئاتری فراهم آید که هم اکنون به همان صورت سابق فعال است و یکی از قدیمی‌ترین تئاترهای ملی جهان به شمار می‌رود.

تراژدی‌های «کرنی» و «راسین» بر پایه تراژدی‌های یونان طرح شده و قهرمانان آنها از شخصیت‌های درباری تاریخی تشکیل یافته بود. عمق ادبی و نمایشی این آثار بسیار چشمگیر و قابل توجه است. کمدی‌های «مولیر» اغلب بر اساس آداب روز نوشته شده و با زبان طنز به بررسی آن می‌پردازد. موضوع این تراژدی‌ها گاه با «کمدیا دلارته» تقارن می‌یابد، اما شعر زیبا و مهارت در شخصیت‌آفرینی از وجوه ویژه و ممتاز آثار این نویسنده است.

#### ۵

با بازگشت «استوارت»ها به تاج و تخت انگلستان بار دیگر تئاتر گشوده شد و دورانی پایه‌ریزی شد که به «اصلاحات»<sup>۴۸</sup> شهرت یافت. این دوران در طول قرن هیجدهم به خوبی پیشرفت کرد. اشراف از برنامه‌های تفریحی درباری لذت فراوان می‌بردند و به اشاعه آنها دامن می‌زدند. اما مردم عادی که هنوز از ظلم و جور «پیوریتن»ها در ناراحتی بودند به کمدی‌های سبک پناه می‌بردند تا آن همه بیداد را برای لحظه‌ای فراموش کنند. «کمدی آداب»<sup>۴۹</sup> در این ایام جایگاه مطلوبی داشت و در آن از عشق، دسیسه، دو دوزه بازی، افشاگری، و

استهزاء سحبت می‌شد. بازیگری استحکام بیشتری یافت و در لباس و صحنه‌آرایی ابداعاتی صورت گرفت. از مشهورترین نمایشنامه‌نویسان این عصر، «جان درایدن»<sup>۵۰</sup>، «ویلیام وای چرلی»<sup>۵۱</sup> و «ویلیام کانگریو»<sup>۵۲</sup> را نام می‌بریم. گرچه زمینه اصلی کار آنان کم‌دی بود اما برخی از آنها تراژدی را نیز تجربه کردند، از جمله «درایدن» که «همه چیز فدای عشق»<sup>۵۳</sup> را ارایه نمود.

در طول قرن هیجدهم، کم‌دی همچنان از اولویت برخوردار بود و جز پاره‌ای اصلاحات در زمینه بازیگری چندان تغییری در آن حاصل نگردید. بسیاری از بازیگران جزو نویسندگان برجسته بودند و به خاطر امرام معاش و داشتن زندگی بهتر و درآمد بیشتر به مدیریت گروه‌ها و یا تئاترها دست می‌زدند.

«ریچارد برینسلی شرایدن»<sup>۵۴</sup> (۱۷۵۱ - ۱۸۱۶) بازیگری ماهر و مدیر تئاتری ارزنده از سرزمین ایرلند بود. تلاش استادانه او به عنوان بازیگر و مدیر تئاتر بنیانگذار رسمی در تئاتر انگلستان شد که تا قرن بیستم ادامه یافت.

بازیگر و نویسنده دیگر «دیوید گریک»<sup>۵۵</sup> (۱۷۱۷ - ۱۷۷۹) نام داشت که در زمان خود از شهرت به‌سزایی برخوردار بود. وی با بسیاری از نمایشنامه‌نویسان هم عصر خود محشور بود. «گریک» نسبت به بازآفرینی آثار شکسپیر اقدام فراوان نمود. از آنجا که گروه‌های نمایشی انگلیسی و ایرلندی به سراسر اروپا سفر می‌کردند، لذا سبب شدند تا تجدید حیات هنر تئاتر در سرزمین آلمان تحقق پذیرد. تا پیش از آن، نمایش‌های تئاتری در آلمان شامل آثار کلاسیک کهن و یا نمایش‌های اخلاقی بود. «لسینگ»<sup>۵۶</sup> (۱۷۲۹ - ۱۷۸۱) به تقلید از نمایشنامه‌های انگلیسی، «دوشیزه سارا سمپسون»<sup>۵۷</sup> خود را به رشته تحریر درآورد و انتشار داد. نوشته‌های دیگر او، از جمله تراژدی مشهور «ناتان خردمند»<sup>۵۸</sup> چنان اعتباری به او بخشید که به عنوان

نخستین نمایشنامه‌نویس مهم برجسته آلمان لقب گرفت. دیری نپایید که دو غول تئاتری آلمان از پی او برخاستند: «یوهان ولفگانگ فون گوته»<sup>۵۹</sup> (۱۷۴۹ - ۱۸۳۲)، که اثر پر قدرت و ارزنده او «فاوست»<sup>۶۰</sup> در دو قسمت هر بازیگر را برای اجرای آن به وسوسه می‌اندازد. گوته، که او را «نابغه جهانی»<sup>۶۱</sup> لقب داده‌اند، چندین اثر به شعر نوشت، از آن جمله «آگمنت»<sup>۶۲</sup>، که «بتون»<sup>۶۳</sup> موسیقی آن را تنظیم نمود. نفر دوم «فردریک فون شیللر»<sup>۶۴</sup> (۱۷۵۹ - ۱۸۰۵) نام داشت. وی شاعری بود جوان و بسیار پرشور که آثار نمایشی تاریخی متعددی را با زبان شعر انتشار داد؛ آثاری چون «دون کارلوس»<sup>۶۵</sup> و «ویلیام تل»<sup>۶۶</sup>. دیری نپایید که آثار این دو نویسنده در ابراهای به اجرا درآمد و با تغییراتی که در موسیقی آن داده شد و ترجمه‌هایی که از متن آن به زبان‌های دیگر صورت گرفت به‌زودی سالن‌های بسیاری را در سراسر جهان پوشاند.

از تئاتر فرانسه قبل از انقلاب فقط ابراهایی از «ژان - بپتیست لولی»<sup>۶۷</sup> (۱۶۳۲ - ۱۶۸۷) و «ژان - فیلیپ رامو»<sup>۶۸</sup> و کم‌دی‌هایی از «پیر آگوستین کارون بومارشه»<sup>۶۹</sup> (۱۷۳۲ - ۱۷۹۹) تداوم حیات خود را حفظ کرده‌اند. نمایشنامه‌های بومارشه طنزهای تند و گاه خشنی هستند که همواره از محبوبیت مردم برخوردار بوده‌اند. در این نمایشنامه‌ها شخصیت‌های ثابتی چون «نوکری زیرک» و «شوهر احمق» پایه‌های اصلی را تشکیل می‌دهند. «بومارشه» معتقد بود که نویسنده باید حتماً دستی در اجرای نمایش نیز داشته باشد و یا حداقل از آن سر در بیاورد. وی در نمایشنامه‌هایش به ریزه‌کاری‌های اجرایی هم اشاره می‌کرد که در عصر او عملی بی‌نظیر بود. او اقدام به تشکیل صنف نویسندگان کرد تا به این ترتیب از میزان دستمزد و درآمد آنان حمایت شود.

در طول انقلاب فرانسه در دهه ۱۷۹۰، تئاتر این سرزمین بیشتر جنبه تبلیغاتی به خود گرفت. بازیگری

شغل ثابتی شد و داستان‌ها سنگین گردید. با بازگشت رژیم سلطنتی در ۱۸۱۴، شکل آثار نمایش نیز دگرگون شد و داستان‌ها به صورت احساساتی، عاشقانه، و لطیف درآمدند و نویسندگانی چون «ویکتور هوگو»<sup>۷۰</sup> (۱۸۰۲ - ۱۸۸۵) و «الکساندر دوما»<sup>۷۱</sup> پدر (۱۸۷۰ - ۱۸۰۲) و پسر (۱۸۲۴ - ۱۸۹۵) چهره نمودند. شاید خالی از ارزش نباشد اگر اشاره کنیم که «ناپلئون بناپارت»<sup>۷۲</sup> توجه خاصی نسبت به هنر تئاتر مبذول می‌داشت و در راه پیشرفت آن سهم شایسته‌ای را دارا بود. وی به «کمدی فرانسه» اختیار تام داد تا صرفاً آثار کلاسیک را به معرض نمایش بگذارد و در زمینه حیات آثار ملی نهایت تلاش خود را مبذول دارد.

تا این ایام سخنی از تئاتر آمریکا در بین نیست، و اگر هم باشد بسیار اندک است، زیرا تئاتر آمریکا از قرن نوزدهم به بعد جلوه یافت، و در واقع به عنوان «تئاتر آمریکایی» شناخته شد. تأثیر «پیوریتن»ها بر مستعمرات بسیار شدید بود، و اگر چه در گوشه و کنار گاه نمایش‌هایی عرضه می‌شد، اما به‌طور کلی از آن به عنوان عنصری نامطلوب و بدآموز یاد می‌کردند. به دنبال انقلاب آمریکا، بسیاری از شهرهای بندری شاهد ورود گروه‌های غیرحرفه‌ای تئاتر شدند، و از آنجا که به شهروندان اجازه تماشای برنامه‌های آنان داده شد، ظاهراً به نظر می‌رسید که دشمنی دیرینه از میان رفته است.

نخستین نمایشنامه آمریکایی را به «رویال تایلر»<sup>۷۳</sup> نسبت می‌دهند. نام این نمایشنامه «تضاد»<sup>۷۴</sup> می‌باشد و شیوه‌ای کمدی دارد. البته از کسان دیگری نیز به عنوان پایه‌گذاران تئاتر بومی آمریکا یاد می‌شود که از آن جمله اند «ویلیام دانلپ»<sup>۷۵</sup> (۱۷۶۶ - ۱۸۳۹)، و «جان هوارد پین»<sup>۷۶</sup> (۱۷۹۱ - ۱۸۵۲). «تضاد» در سال ۱۷۸۷ نوشته شد و در همان سال بر روی صحنه رفت و فوق‌العاده مورد استقبال مردم قرار گرفت. تا اواسط قرن نوزدهم که دیگر اعتقادات کهن

درباره اخلاقیات در پس پرده فراموشی قرار گرفت، آمریکایی‌ها برای تئاتر دست به دامن گروه‌های انگلیسی و فرانسوی و ایرلندی شدند و نیازهای خود را به وسیله آنان برطرف ساختند.

«مکزیکو» دارای تئاتر سنتی غنی‌تری است. علت این امر اعتقادات شدید مذهبی است که زمانی به وسیله فاتحان اسپانیایی به سرزمین آمریکا رخنه یافت. در سال ۱۵۹۷ تئاتر حرفه‌ای «مکزیکوسیستی» گشایش یافت. نمایشنامه‌های این تئاتر به وسیله افراد کلیسایی نوشته می‌شد. حتی تئاترهای غیر مذهبی نیز از این آثار استفاده می‌کردند. گرچه در آغاز مخالفت‌های بسیاری با تئاتر می‌شد، اما به تدریج آن را پذیرفتند و کم‌کم تأثیرات خارجی در خلوص آن خلل وارد آورد و موجب دگرگونی شیوه و محتوای آن شد.

## ۶

ویکتور هوگو تئاتر فرانسه پس از انقلاب را حیاتی تازه بخشید. در واقع هم او بود که نهضت رمانتیک را در فرانسه به راه انداخت. وی همانند خانواده «دوما» و نیز دو شاعر معروف «آلفرد دو وینی»<sup>۷۷</sup> (۱۷۹۷ - ۱۸۶۳) و «آلفرد دوموسه»<sup>۷۸</sup> (۱۸۱۰ - ۱۸۵۷) تئاتر را به صورت بومی درآورد و با فرهنگ سرزمین خود همگام و هماهنگ نمود. شیوه نگارش این نمایشنامه‌نویسان و شخصیت‌پردازی‌های خاصی که در آثار خود کرده بودند، و طی آن قهرمانان داستان با سرنوشت درمی‌افتادند و یا علیه حکام ظالم قیام می‌کردند، به گونه‌ای بود که به سختی توانست در خارج از خاک فرانسه به موفقیت دست یابد.

تا حوالی دهه ۱۸۷۰، آثار «هوگو» و «دو وینی» همچنان مورد توجه نویسندگان فرانسوی قرار داشت و به آنان الهام می‌بخشید، تا آن که «اوژن اسکریب»<sup>۷۹</sup> (۱۷۹۱ - ۱۸۶۱) آثاری را عرضه نمود که او را سرآمد هم‌عصرانش معرفی نمود. این آثار شباهت زیاد به



اپراهای امروزی داشت. در آنها مجموعه‌ای از اشک‌ها، خنده‌ها، لحظات کم و بیش تراژیک، و نیز پایان خوش به چشم می‌خورد شخصیت‌ها در این آثار چندان پیچیده نبودند و وقایع با رویدادهای روز تطابق کمتر می‌یافتند.

شاید بتوان گفت که اعتبار تئاتر فرانسه هنگامی شکسته شد که اثر معروف «الکساندر دوم، پسر» به نام «بانوی کاملیا»<sup>۸۱</sup> بر روی صحنه رفت و با استقبال فراوان مردم مواجه شد. این اثر یک تراژدی احساساتی و اجتماعی بود و به هیچ‌وجه عمق آثار گذشته را نداشت، اما محبوبیتی که به دست آورد سبب تغییر شکل تئاتر در این سرزمین شد.

در اواخر قرن نوزدهم، نمایشنامه‌نویسان به سبکی گرایش پیدا کردند که «طبیعت‌گرایی» خوانده می‌شد. در این سبک، نمایشنامه‌ها تمامی زوایای زندگی را مورد بررسی قرار می‌دادند و زشتی‌ها و زیبایی‌ها را دقیقاً همانطور که در طبیعت بود منعکس می‌کردند. این نویسندگان بخصوص تحت تأثیر آثاری چون «قدرت تاریکی»<sup>۸۱</sup> اثر «لئو تولستوی»<sup>۸۲</sup> (۱۸۲۸ - ۱۹۱۰)، و یا تراژدی‌های اجتماعی «گرهارت هوپت‌من»<sup>۸۳</sup> (۱۸۶۲ - ۱۹۴۶) مثل «بافندگان»<sup>۸۴</sup> قرار داشتند. تیرگی بر روی صحنه‌های نمایشی اروپا سایه افکند. قهرمانان زن در اطاق زیر شیروانی خودکشی می‌کردند. شاعران به درون رودخانه می‌پریدند. و خود را غرق می‌کردند و ماجرای عشقی سرانجام با مرگ عشاق به پایان می‌رسید. «تاتورالیسم» نمایشنامه‌نویسان برجسته چندی را به خود دید. در نروژ «هنریک ایبسن»<sup>۸۵</sup> (۱۸۲۸ - ۱۹۰۶) بود که آثار معروفی چون «خانه عروسک» و «اشباح» را به رشته تحریر درآورد.<sup>۸۶</sup> این نوشته‌ها در عصر خود بسیار کوبنده و نفس‌گیر بود. هنوز هم این نمایشنامه‌ها با موفقیت به صحنه می‌روند؛ شخصیت‌های آنها بسیار پیچیده و قابل لمس‌اند و به راحتی می‌توان آنها را باور کرد. مضامینی که با زندگی

واقعی برخورد می‌کنند از تأثیرات اجتماعی کاملاً برخوردارند.

نویسنده دیگری که در این راه شهرت جهانی یافت، «آنتون چخوف»<sup>۸۷</sup> (۱۸۶۰ - ۱۹۰۴) از سرزمین روسیه بود. تا قرن شانزدهم تئاتر ویژه و اصیل روسی وجود نداشت، تا آن که سزارها مجبور شدند به تحولات همه‌جانبه تازه‌ای دست بزنند و در نتیجه ادبیات از سلطه دربار خارج گردید. «چخوف» به تصویر کردن زندگی پیرامون خود پرداخت و تلاش نمود تا واقعیات را آنطور که هست نشان دهد. ابتدا «شیطان جنگل»<sup>۸۸</sup> و «مرغ دریایی»<sup>۸۹</sup> او از موفقیت چشمگیری برخوردار شدند.

هنگامی که مدیر «سالن نمایش هنر مسکو»<sup>۹۰</sup>، «کنستانتین استانیسلاوسکی»<sup>۹۱</sup> (۱۸۶۳ - ۱۹۳۸) تصمیم گرفت «مرغ دریایی» را به عنوان نمایشی جدی از زندگی در سرزمین روسیه در ردیف برنامه‌های خود قرار دهد، موفقیت دایمی این اثر تضمین شد.

«استانیسلاوسکی» صاحب‌نظری عمیق و اندیشمندی گاه در زمینه تئاتر و به ویژه کارگردانی و بازیگری بود. نوشته‌های او تأثیری چشمگیر و ماندگار در نحوه و کیفیت آفرینش نقش در روی صحنه بر جای گذارد و جهان از آن استقبال کرد. هدف او رساندن بازیگر به اوج احساس واقعی نقش بود. به طوری که نهایتاً در قالب شخصیت فرو رود و با آن زندگی کند، در حالی که قبل از او صرفاً به وسیله پاره‌ای تکنیک‌ها به شخصیت‌پردازی دست می‌زدند. «سالن نمایش هنر مسکو» هنوز هم به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

## ۷

نمایشنامه‌های «جورج برنارد شاو»<sup>۹۲</sup> (۱۸۵۶ - ۱۹۵۰) نوید شکوفایی تئاتر قرن بیستم را برداشت. «شاو» ابتدا به عنوان قصه‌نویس به کار پرداخت، اما موفقیت چندانی کسب نکرد. بی‌عدالتی‌های اجتماعی

او را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌داد و در دهه ۱۸۹۰ بود که فکر نوشتن نمایشنامه را به ذهن او وارد کرد. وی در آثار خود سعی در تصویر کردن مسایل اخلاقی نمود، اما به هیچ‌وجه شیوه شعاردهی را پیشه نکرد. «انسان عادی و انسان عالی»<sup>۹۳</sup>، و نیز «سرگرد باربارا»<sup>۹۴</sup>ی او نوشته‌های بسیار پر مغزی هستند که بر دورویی‌های نوع بشر تازیانه می‌زنند. گرچه اغلب آثار او در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نوشته شده‌اند، ولی هنوز هم با بسیاری از مسایل جهانی تطابق می‌یابند و مطرح می‌شوند.<sup>۹۵</sup>

«اسکار وایلد»<sup>۹۶</sup> (۱۸۵۴ - ۱۹۰۰) از نویسندگان برجسته و اندیشمند تئاتر انگلستان به شمار می‌آید. او به‌طوری برای بازیگران زن و مرد مکالمات را می‌نوشت که انتظار آن را داشتند و برای بیان خود مناسب می‌دیدند. کلام او آمیخته با طنز بود و شکل آن به نمایشنامه‌های قرن نوزدهم - پیش از بیستم - شباهت داشت.

دگرگونی از حالت «ناتورالیسم» به «رنالیسم»<sup>۹۷</sup> (واقعیت‌گرایی) به تدریج صورت گرفت. جنگ اول جهانی تأثیر فرهنگی بسیار بر فرانسه گذارد، و این حادثه‌ای بود که پس از انقلاب فرانسه برای نخستین بار اتفاق می‌افتاد. نمایشنامه‌نویسان از این دگرگونی چندان رضایت نداشتند، و این نارضایتی در سطح اروپا گسترش یافت.

در همان ایام که تئاتر روسیه در اوج شکوفایی بود و آثار تراژدی بیش از انواع دیگر نمایش عرضه می‌شد، در آلمان هنوز ملودرام نقش اصلی را بازی می‌نمود. «برتولت برشت»<sup>۹۸</sup> (۱۸۹۸ - ۱۹۵۶)، شاعر و نمایشنامه‌نویس، سخت از جامعه آلمان برآشفته بود و از تئاتر حاکم بر این سرزمین احساس نارضایتی می‌کرد. این امر سبب شد تا در دهه ۱۹۲۰ به نگارش نمایشنامه‌های شاعرانه بپردازد. این آثار که محتوای تلخی داشت به سرعت در بین مردم محبوبیت یافت و

نظر موافق منتقدان را به سوی خود جلب نمود. او معتقد بود که بازیگران؛ فراموش کنند که دقیقاً «شخص دیگری» هستند. هدف آنها باید این باشد که به تماشاگران آموزش دهند و در این راه از هیچ‌گونه کوششی فروگذار نکنند. «برشت» در راه نوآوری‌های خود در زمینه تئاتر سعی کرد تا شکل نمایش‌ها را از صورت طبیعی و معمولی خود بیرون آورد، و به جای آن نوعی اجرای شاعرانه، همراه با موسیقی و نیز طنز و انتقاد را جایگزین نماید. شهرت او قبل از ظهور نازیسم در آلمان گسترش یافت، و امروز اهمیت او در راه پیدایش تئاتر نوه‌م‌پای «ایسن» بر می‌شمرند.

در آمریکا تا قبل از قرن بیستم تئاتر استقلال محرز نداشت. تا پیش از شهرت «یوجین اونیل»<sup>۹۹</sup> (۱۸۸۸ - ۱۹۵۳) به‌ندرت نمایشنامه آمریکایی یافت می‌شد که ارزش صدور به سرزمین‌های دیگر را داشته باشد. زادگاه واقعی تئاتر جدید آمریکا را سالن «پراوینستاون»<sup>۱۰۰</sup> می‌دانند که در آنجا اونیل برای نخستین بار قدرت نویسندگی و بازیگری خود را به معرض داوری تماشاگران گذارد و به موفقیت درخشانی نایل آمد. این سالن، که در ایالت «ماساچوستس»<sup>۱۰۱</sup> قرار دارد، یکی از چند سالن کوچکی بود که در اوایل قرن بیستم به وجود آمد و صرفاً هدفش سرگرم کردن تماشاگرانی ویژه، بخصوص تازه واردین به این ایالت بود. در این سالن‌ها بازیگران به کسب تجربه‌های تازه دست می‌زدند و طراحان و متخصصان امور فنی نوآوری‌های خود را مورد آزمایش قرار می‌دادند. «اونیل» از خانواده‌ای بود که در آن جنگ و جدال و فضای آشفته صورت همیشگی داشت و خود نیز به همین شکل پرورش یافته بود. قهرمانان نمایشی او نیز همواره گرفتار پیچیدگی‌های روانی هستند و پیوسته تلاش می‌کنند تا خود را از تیرگی پیرامون خویش برهانند. وی سالیان متمادی بر روی دریا زندگی کرد، خاطرات بسیاری در



این زمینه نوشت و با آدم‌های گوناگون برخورد نمود. این خاطرات و برخوردها در نمایشنامه‌های دریایی او به خوبی منعکس شده است: سفر دور و دراز به وطن<sup>۱۰۲</sup>، در راه کاردیف<sup>۱۰۳</sup>، سیر روز طولانی در شب<sup>۱۰۴</sup>. در نمایشنامه‌های اخیر او شکلی از تراژدی را مشاهده می‌کنیم که در آن حال و هوای تراژدی‌های یونان کهن مشاهده می‌شود. در واقع، زندگی گذشته او نیل در این آثار ترسیم و تصویر شده است.<sup>۱۰۵</sup>

دوران شکوفایی نمایشنامه‌نویسان آمریکایی در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ بود و افرادی چون «سوزان گلاس پل<sup>۱۰۶</sup>»، «سیدنی هاوارد<sup>۱۰۷</sup>»، «مکسول اندرسن<sup>۱۰۸</sup>» و «فیلیپ بری<sup>۱۰۹</sup>» در خارج از مرزهای آمریکا اعتبار و احترام فراوان یافت. کم‌دی، بخصوص نوع طنزآمیز آن، از محبوب‌ترین و متداول‌ترین نوع نمایش در این ایام به شمار می‌رفت.

در اواخر قرن نوزدهم، کم‌دی‌های توأم با رقص و آواز همه‌جاگیر شد و مردم به شدت از آن استقبال کردند. ناگفته نماند که در کنار کم‌دی، آثار نمایشی جدی نیز در جریان بود. پس از «اونیل»، جا دارد که از «مکسول اندرسن (۱۸۸۸ - ۱۹۵۹) در این زمینه یاد کنیم. وی تلاش بسیار نمود تا هنر نمایش را به سطح بالاتری برساند و آثارش را به صورت شعر آزاد عرضه کند، که نخستین آن «ملکه الیزابت» نام داشت. البته آثار دیگری هم از او در دست می‌باشد که به شعر موزون تنظیم یافته است؛ از جمله این آثار، «زمستان» است، که بر اساس موضوع روز نوشته شده است، و در زمان خود به موفقیت فراوان دست یافت.

موفقیتی که آثار «اندرسن» به دست آورد هرگز به پایه آثار مشابه دیگری از نویسندگان هم دوره خود نرسید. از میان این آثار «صحنه خیابان<sup>۱۱۰</sup>» اثر «المر رایس<sup>۱۱۱</sup>»، «در انتظار لفتی<sup>۱۱۲</sup>» اثر «کلیفورد اودتس<sup>۱۱۳</sup>»، «روبه‌های کوچک» اثر «لایلین هلمن<sup>۱۱۴</sup>» را نام می‌بریم. همچنین «شهر ما» شاهکار «تورنتون وایلدنر<sup>۱۱۵</sup>» و

«ابراهام لینکلن در ایلی‌نوی<sup>۱۱۶</sup>» اثر معروف «رابرت شرود<sup>۱۱۷</sup>» جای خاصی را در این ردیف داراست. گرچه آثار شاعرانه «اندرسن» صد درصد سلیقه آمریکایی را تأمین نمی‌کرد، اما موفق به دریافت جایزه شد و وی، علی‌رغم شکست‌های بی‌درپی که به همراه آورد، تا دهه ۱۹۵۰ همچنان به کار نویسندگی ادامه داد. نمایش‌های خانوادگی کم‌کم زنجیر محبوبیت را از چنگ رقبای خود درآورد. مردم که اختلافات خانوادگی را در روی صحنه ملموس می‌یافتند با اشتیاق تام به تماشای آن می‌نشستند. «روبه‌های کوچک» از این دست به شمار می‌آید. اوج ترقی نمایش خانوادگی با «مرگ فروشنده<sup>۱۱۸</sup>» و «تمام پسران من<sup>۱۱۹</sup>» اثر «آرتور میلر<sup>۱۲۰</sup>» (متولد ۱۹۱۵) همراه بود.

در ادامه نمایش‌های خانوادگی، نویسندگان سعی کردند تا مردم را از مشکلات موجود در زندگی آگاه سازند و به حل مسایل روانی بپردازند. از جمله این نویسندگان، «تنسی ویلیامز<sup>۱۲۱</sup>» بود، با اثر معروفش «اتوبوسی به نام هوس<sup>۱۲۲</sup>»، درباره زنان و مردانی از نواحی جنوبی آمریکا که همواره با گذشته خود زندگی می‌کنند.<sup>۱۲۳</sup>

تا سال‌ها سیاهان در آمریکا جایی نداشتند و بالطبع در زمینه تئاتر نیز قدرت ارایه وجود از آنان سلب شده بود. گرچه نمایشنامه‌های زیادی توسط نویسندگان سیاهپوست به رشته تحریر درآمده بود ولی هیچکدام اجازه انتشار عمومی نداشتند. در دهه ۱۹۵۰ بود که تحولی تازه در این زمینه به وقوع پیوست و در آزادی نسبی به روی سیاهان گشوده شد. آثاری چون «گام بلندی بردار<sup>۱۲۴</sup>» اثر «لوئیس پیتیرسان<sup>۱۲۵</sup>» به بررسی مشکلات سیاهان پرداخت و به تئاتر رونندگان سیاهپوست امیدهای تازه بخشید.

سیاهان به سرعت در زمینه نویسندگی از خود نبوغ نشان دادند و به زوایای جدیدی از زندگی نگاه کردند. از جمله نویسندگان روشنفکر و جوان «لروا جونز<sup>۱۲۶</sup>»

بود که آثاری چون «مرد هلندی»<sup>۱۲۷</sup> و «برده» را عرضه نمود. زبان و کلام خاص سیاهان در این آثار نقش مهمی را بازی می‌کند.

اخیراً گروه‌های نمایشی زیادی در سراسر آمریکا به کار تئاتر اشتغال دارند. اغلب این گروه‌ها متشکل و سازمان یافته‌اند، و وسعت قابل توجهی نیز دارند، و آثار خود را در سراسر آمریکا، و گاه اروپا به معرض نمایش می‌گذارند.

تئاتر امروز مرتب در حال تغییر است. مدارس بازیگری حرفه‌ای و نیز دانشگاه‌های بسیاری در سراسر جهان به آموزش این هنر اشتغال دارند و هر روز به افق‌های تازه‌ای دست می‌یابند و حاصل تجربیات خود را از طریق رسانه‌ها به اطلاع افراد در دورترین نقاط می‌گذارند.

مهم‌ترین تحول موجود در تئاتر امروز، وجود گروه‌های بی‌شمار غیرحرفه‌ای است که صرفاً برای کار، و نه کسب سرمایه و شهرت، به هنر تئاتر پرداخته‌اند، و چه بسا که بیش از گروه‌های حرفه‌ای سازمان یافته، در دل مردم جا پیدا کرده‌اند. درست است که اغلب این گروه‌ها از دانش و تکنیک لازم برای ارایه کار خود بهره‌ای ندارند، اما قوی‌ترین چیزی که در آنها وجود دارد خلوص در عمل و ایمان به کار است، یعنی درست‌ترین اصلی که ضامن موفقیت است.

امید است که از بین همین گروه‌ها، آینده‌ای بهتر، و نیروهایی متخصص و مؤمن به والاترین اهداف بازیگری، کارگردانی، نمایشنامه‌نویسی، و اجرای امور فنی تئاتر پایه‌ریزی شود.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱ - از مشهورترین این سالن‌ها تئاتر «دینیزوس» در شیب تپه‌های زیر «آکروپولیس» در شهر آتن می‌باشد که به «تئاتر هلنی» موسوم است. از این نوع تئاتر در نقاط دیگر یونان نیز ساخته شد که از آن جمله‌اند در «اپیداوروس» Epidaurus، و «اوروپوس» Oropus، و کورنت Corinth

2- Dionysus

3- Aeschylus

4- Sophocles

5- Euripides

6- Aristophanes

۷ - سایر آثار او عبارتند از پارسیان، هفت شهر علیه تیس (Seven Against Thebes) اورسینا Orestia که یک تریلوژی است، یعنی سه تراژدی توأمان شامل آگاممنون Agamemnon، باده‌کشان، و اومنیس Eumenides، و نیز «التماس کنندگان».

8- Oedipus Rex

9- Antigone

۱۰ - سایر آثار سوفوکلس عبارتند از: آژاکس Ajax، الکترا Electra، زنان تراخینس Trachiniai، فیلوکتس Philoctetes، و اودیپوس در کلنوس Oedipus at colonus.

11- Medea

12- Hippolytus

۱۳ - تعدادی از آثار مهم او عبارتند از: آلستیس Alcestis، فرزندان هراکلس The Children of Heracles، آندر ماکه Andromache، هکوبا Hecuba، هراکلس Heracles، التماس کنندگان The suppliants، یون Ion، زنان تروا، The Trojan Women، الکترا Electra، ایفیژینا در توریس Iphigenia in Tauris، هلن Helen، زنان فنیقی The Phoenician Women، اورستس Orestes، باکائو Bacchae، ایفیژینا در اولیس Aulis، و سیکلپ Cyclops.

۱۴ - تعداد نمایشنامه‌های اریستوفانس را ۲۰ اثر ذکر کرده‌اند که فقط ۱۷ اثر در دست می‌باشد. باره‌ای از این آثار عبارتند از: زنبورها، شوالیه‌ها، صلح Peace، و پلوتوس Plutus.

۱۵ - بسیاری از نویسندگان نام «رم» را به غلط «روم» می‌نویسند و منطبق آنها هم این است که با شهر رُم امروزی اشتباه نشود. باید توجه داشت که وقتی سخن از تاریخ به میان می‌آید و ارقام ذکر می‌شود بدیهی است که خواننده هرگز گذشته را با امروز اشتباه نخواهد کرد. لذا منطبق مذکور مرود می‌نماید و سرزمین «رم کهن» را هیچ خواننده حتی کم دانشی نیز «رم امروزی» را اشتباه نخواهد گرفت.

16- Seneca

۱۷ - سایر آثار موجود وی عبارتند از: زنان تروا، فدرافا Phaedra، تیسس Thyestes، هرکولس در اوتا Hercules On Oeta، هرکولس دیوانه. آثار این نویسنده گرچه شدیداً تحت تأثیر افکار یونانی بوده است ولی به شدت پر حرف و از نظر قدرت دراماتیک به مراتب ضعیف‌تر از مشابه یونانی خود است.

18- Plautus

- 51- William Wycherley  
۱۶۴۰ - ۱۷۱۵) با نمایشنامه: عشق در جنگل
- 52- William Congreve  
۱۶۷۰ - ۱۷۲۹) با نمایشنامه: عشق برای عشق
- 53- All for Love  
اثر دیگرش امپراتور هند
- 54- Richard Brinsley Sheridan
- 55- David Garrick
- 56- Gotthold Ephraim Lessing
- 57- Miss Sara Sampson
- 58- Nathan The Wise
- 59- Johann Wolfgang Von Goethe
- 60- Faust  
قسمت اول در سال ۱۸۰۸ و قسمت دوم در ۱۸۳۱ انتشار یافت.
- 61- Universal Genius
- 62- Egmont
- 63- Wisdom Natan
- 64- Ludwig Van Beethoven  
آهنگساز معروف آلمانی (۱۷۷۰ - ۱۸۲۷)
- 65- Don Carlos
- 66- William Tell
- 67- Jean - Baptiste Lully  
آهنگساز ایتالیایی الاصل
- 68- Jean - Philippe Rameau  
آهنگساز و نظریه پرداز موسیقی
- 69- Pierre - Augustin Caron Beaumarchais  
با دو اثر مشهور:  
The marriage of Figaro و عروسی فیگارو  
Seville آرایشگر شهر سویل
- 70- Victor Hugo
- 71- Alexandre Dumas (۱۷۶۹ - ۱۸۲۱)
- 72- Napoleon Bonaparte
- 73- Royall Tyler  
(۱۷۵۷ - ۱۸۲۶)
- 74- The Contrast
- 75- William Dunlap  
با اثرش «پدس» (۱۷۸۹)
- 76- John Howard Payne  
با نمایشنامه «جولیا» (۱۸۰۶)
- 77- Alfred de Vigny
- 78- Alfred de Musset
- 79- Eugene Scribe
- 80- The Lady of the Camellias
- 81- The Power of Darkness
- 82- Leo Tolstoy
- 83- Gerhart Hauptmann
- 84- The Weavers
- 19- Terence
- 20- Menander (م.ق. ۳۲۲ - ۲۹۱ ق.م.)
- 21- Mime
- 22- Hrosvitha
- 23- Commedia Dell'Arte
- 24- Arlecchino - Harlequin
- 25- Colombina
- 26- Pantalone
- ۲۷ - از دیگر شخصیت‌های کمدیا دلارته می‌توان از کاپیتانو Capitano (مرد عاشق پیشه)، و دونوره Dottore (دوست پانتالونه) نام ببریم.
- 28- Willian Shakespeare
- 29- Hamlet
- 30- Macbeth
- 31- King Lear
- 32- Romeo and Juliet
- 33- Othello
- 34- Richard III
- 35- Julius Caesar
- ۳۶ - گفته شده که شکسپیر ۳۸ نمایشنامه به رشته تحریر درآورده است که تماماً موجود می‌باشد. مضافاً از میان آنان «رام کردن زن سرکش»، «طوفان»، «شب دوازدهم»، «رژیا در شب نیمه تابستان»، «انتونی و کلئوپاترا» را ذکر می‌کنیم.
- 37- Christopher Marlowe
- 38- Doctor Faustus
- 39- Ben Jonson
- 40- Volpone
- 41- Every man in his Humour
- ۴۲ - Puritan پروتستان‌های بسیار متعصب که با کاتولیک‌ها و برنامه‌های آنان مخالف بودند. این گروه بعدها به سختی مورد آزار و شکنجه استوارت‌ها قرار گرفت. آنها شدیداً با تئاتر حرفه‌ای و گسترش آن مخالفت می‌ورزیدند زیرا معتقد بودند که به گسترده‌گی کاتولیسیسم دامن می‌زند.
- 43- New Classic
- 44- Corneill
- 45- Racine
- 46- Molière
- 47- Comedie Francaise
- 48- Restoration
- 49- Comedy of Manner
- 50- John Dryden  
با نمایشنامه ملکه هند (۱۶۳۱ - ۱۷۰۰)

پشمالو *The Hairy Ape*، آنا کریستی *Anna Christie*، هوس زیر  
درخت نارون *Desire Under the Elms*، روزهای بسی پایان  
*Days Without End*.

106- Susan Glaspell, 107- Sidney Howard

108- Maxwell Anderson, 109- Philip Barry

110- Street Scene, 111- Elmer Rice

112- Waiting for Lefty, 113- Clifford Odets

114- Lillian Helman, 115- Thornton Wilder

116- Abe Lincoln in Illinois, 117- Robert Sherwood

118- Death of a Salesman, 119- All My Sons

۱۲۰ - *Arthur Miller* از دیگر آثار مهم او: چشم‌اندازی از پل  
*A View from the Bridge*، حادده در ویشی  
*Memories of Two Mondays*، خاطرات دو دوشنبه

121- Tennessee Williams (متولد ۱۹۱۱)

122- A Streetcar Named Desire

۱۲۳ - از دیگر آثار برجسته او: دوشیزه جولوی، *Miss July*، باغ  
وحش شب‌های *The Glass Menagerie*، گربه روی شیروانی داغ  
*Cat on a Hot Tin Roof*، پسرانده شیرین جوانسی،  
*Sweet bird of youth* شب ایگوانا

124- Take a Giant Step

125- Louis Peterson

۱۲۶ - *Leroi Jones* وی پس از پیوستن به یکی از فرقه‌های اسلامی  
نام خود را به امام‌امیری باراکا *Imam Amiri Baraka* تغییر داده  
است

127- The Dutchman

#### منابع:

1- Brockett, Oscar G. 3rd. ed "History of The Theatre"  
Boston: Allyn and Bacon, Inc. 1977

2- Gascoigne, Bamber. "World Theatre". Boston: Little,  
Brown and Company, 1968.

3- Swortzell, Lowell. "All the World's a Stage" New York:  
Delacorte Press, 1975.

4- Berthold, Margot. "A History of World Theatre". New  
York: Frederik Ungar Puclishing, 1972.

5- Corrigan, Robert W. "The Modern Theatre". New  
York: The Macmillan Co. 1964.

6- Macgowan, Kenneth, and Melnitz, William. "The  
Living Stage". New Jersey: Prentice - Hall INC. 1955.

7- Parker, W. Oren, and Smith, Harvey k. 3rd. ed. "Scene  
Design and Stage Lighting". New York: Holt, Rencart  
and Winston INC. 1974.

85- Henrik Ibsen

۸۶ - سایر آثار مهم: دشمن ملت، مرغابی وحشی، براند *Brand* و  
پیرگینت *Peer Gynt*

87- Anton Chekhov

88- The Wood Demon (۱۸۸۹)

89- The Sea Gull (۱۸۹۶)

۹۰ - *Moscow Art Theatre* بسیاری از مترجمین این نام را به غلط  
و تاجر هنری مسکو ترجمه کرده‌اند در حالی که کلمه "Theatre" در  
اینجا به معنای سالن نمایش است.

۹۱ - *Konstantin Stanislavsky* مبتکر سبک خاص در بازیگری  
واقع‌گرایانه، و صاحب سیستم ویژه نقش‌آفرینی و کتاب‌های  
معروف و بازیگر آماده می‌شود (*An Actor Prepares*)، زندگی  
من در هنر، ساختار شخصیت *Building a Character*، و آفرینش  
نقش *Creating a Role*.

92- George Bernard Shaw

93- Man And Superman

94- Major Barbara

۹۵ - از سایر آثار مهم او: اسلحه و انسان *Arms and The Man*، در  
راه ازدواج *Getting Married*، مرد سرنوشت *Man of Destiny* و  
سنت جان *Saint Joan*.

۹۶ - *Oscar Wild* با آثار مشهوری چون: سالومه *Salomé*، اهمیت  
ارنست بودن *The Importance of Being Earnest*، بادبزن خانم  
و - سندرمیر *Lady Windermere's Fan*، زن بسی اهمیت  
*A Woman of no Importance*

۹۷ - *Realism* سبکی از اجرای نمایش بر مبنای زندگی واقعی  
منهای زشتی‌ها و نکات خاصی که به‌طور متوسط تمامی جوامع  
جهان آنها را نامطلوب می‌شمارند.

۹۸ - *Bertolt Brecht*، از مشهورترین آثار وی: نخته دلاور  
*Mother Courage*، زن خوب سچوان، *The Good Woman of*

*Setzuan* آدم، آدم است *Man is Man*، گالیله *Galileo*، دایره گچی  
نسنگفازی *The Caucasian Chalk Circle* و آتلای پونتیلا  
*Herr Puntila*.

99- Eugene Oneill

100- Provincetown

101- Massachusetts

102- The Long Voyage Home

103- Bound East For Cardiff

104- *Long Day's Journey into Night* از دیگر آثار دریایی او:  
در منطقه *In the Zone* طناب *The Rope*  
۱۰۵ - از سایر آثار مهم او: آن سوی افق *Beyond Horizon*، میمون